

مطالعه پدیدارشناختی تجربه زیسته همسران طلاب از سبک زندگی

طلبگی (مورد مطالعه همسران طلاب ساکن پردیسان قم)

کریم خان محمدی^۱، نرگس سرمدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۲۹، تاریخ تایید: ۹۷/۴/۱۶

چکیده

طلاب و روحانیان یکی از گروه‌های مرجع به شمار می‌روند که فراتر از الگوهای کلامی، کنش‌های آنان نیز به‌مثابه الگوهای رفتاری در سبک زندگی دینی مورد توجه بخشی از مردم قرار می‌گیرد؛ بنابراین مطالعه زندگی آنان می‌تواند حائز اهمیت باشد. تحقیق حاضر با رویکرد پدیدارشناختی و با هدف شناخت معنای زندگی طلبگی در تجربه زیسته همسران طلاب انجام گرفته است. روش نمونه‌گیری، هدفمند بوده و با ۱۷ نفر از همسران طلاب، مصاحبه نیمه ساختاریافته با رویکرد همدلانه انجام شده است. به‌منظور غنابخشی بیشتر، گذشته از پرسش پیرامون کلیت سبک زندگی طلبگی، ابعاد زندگی طلبگی به پنج بخش تحصیل، اخلاق، تبلیغ، تلبس و شهریه تقسیم و پرسش‌هایی نیز درباره هر یک از این ابعاد مطرح شد. بنا بر یافته‌های تحقیق، می‌توان دو کلان‌معنا را در تجربه زیسته همسران طلاب درباره زندگی طلبگی به دست آورد؛ در گروهی «معنویت» و در گروه دیگر، «محدودیت» معنابخش زندگی طلبگی است. این دو معنای کلان، در هر یک از پنج بعد سبک زندگی طلبگی نیز سر بیان دارد و به تناسب، به هر یک معنایی متفاوت می‌بخشد.

واژگان کلیدی: همسران طلاب، سبک زندگی، طلبه، پدیدارشناسی

^۱ هیات علمی دانشگاه باقر العلوم و مدیر گروه فرهنگ و ارتباطات khanmohammadi49@yahoo.com

^۲ دانشجوی مطالعات فرهنگی و ارتباطات باقرالعلوم (ع) ng.sarmadi@gmail.com

جامعه در بسیاری از تحولات اجتماعی خود وامدار گروه‌های مرجع است و از این رو مطالعه عمیق آنان می‌تواند در مدیریت صحیح جامعه اثرگذار باشد. یکی از گروه‌های مرجع، روحانیان و طلاب هستند که به‌عنوان کارشناسان دینی، در جوامع بشری حضور داشته و راهبران فکری و دینی جوامع خویش بوده‌اند.

در سده حاضر و در ایران نیز، مردم توانستند با مشارکت یا رهبری روحانیان، تحولات اجتماعی مهمی را رقم بزنند که مشروطه و نهضت ملی شدن نفت از آن جمله است. فراتر از این تحولات، باید از انقلاب اسلامی نام برد که تأثیرات بسیار مهمی حتی در عرصه جهانی بر جای گذاشته است. پیش‌بینی می‌شود در آینده نیز، تأثیرگذاری‌های روحانیت در تغییرات اجتماعی ادامه داشته باشد؛ چنانکه استاد مطهری در این باره می‌گوید: «قدر مسلم این است که هرگونه صلاح و اصلاحی در کار مسلمین رخ دهد یا باید مستقیماً به‌وسیله این سازمان که سمت رسمی رهبری دینی مسلمین را دارد صورت بگیرد، یا لاقلاً این سازمان با آن هماهنگی داشته باشد» (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۸۳).

از سوی دیگر، باید دانست که زنان نقش بسیار مهمی در فعالیت اجتماعی همسران خود دارند و همراهی و عدم همراهی آنان، می‌تواند در کمیت و کیفیت ایفای این نقش‌های اجتماعی اثرگذار باشد. امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، درباره نقش منحصر به فرد زنان در این حرکت اجتماعی خطاب به آن‌ها می‌فرماید: «در انقلاب اسلامی نقش شما بانوان از نقش مردها بالاتر بود؛ یعنی شما هم خودتان فعالیت می‌کردید و هم مردها را به فعالیت می‌کشاندید» (۱۳۹۰، ج ۱۸: ۴۰۲). آیت‌الله خامنه‌ای دومین رهبر جمهوری اسلامی نیز در همین راستا با اتکا به تجربه مدیریتی کلان خود می‌فرماید: «اگر زنان در یک جامعه، به فکری مؤمن بشوند و در راهی قدم بگذارند و علی‌رغم موانع آن راه را ادامه بدهند، تأثیر آن‌ها بر روی فرزندان، همسران، حتی برادران و پدرانشان، یک تأثیر تعیین‌کننده و سازنده است. زن تنها خود به راهی نمی‌رود، مردها را در آن راه می‌برد. اهمیت تفکر زنان در یک جامعه، در این است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ج ۵: ۴۳).

بنابراین، مطالعه نگرش همسران طلاب و روحانیون، به دلیل ترکیب شدن دو وجه انتساب به قشر راهبر دینی- فکری جامعه و توانایی تأثیرگذاری‌های زنانه در زیرپوست نهاد خانواده، شایان توجه است. چراکه همراهی همسران طلاب با عقاید، افکار، وظایف و سبک زندگی همسرانشان،

نقش مهمی در توفیقات طلاب و همچنین تربیت نسل ادامه‌دهنده راهشان و حفظ وجهه الگویی‌شان خواهد داشت. این تحقیق به مطالعه تجربه همسران طلاب از زندگی طلبگی می‌پردازد تا زمینه آسیب‌شناسی و ارتقای مرجعیت فکری و رفتاری این گروه را بیش‌ازپیش فراهم آورد. چراکه «کسانی که آرزوی اعتلای آیین مبین اسلام را در سر دارند و درباره‌ی علل ترقی و انحطاط مسلمین در گذشته دور و نزدیک می‌اندیشند، نمی‌توانند درباره‌ی دستگاه رهبری آن یعنی سازمان مقدس روحانیت نیندیشند و آرزوی ترقی و اعتلای آن را در سر نداشته باشند و از مشکلات و نابسامانی‌های آن رنج نبرند» (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۸۳).

روش تحقیق

رویکرد این پژوهش کیفی است؛ زیرا موضوع آن کمتر شناخته شده و نسبتاً بکر است. همچنین تلاش دارد دارای عمق و جزئیات ظریفی باشد (استروس و کوربین، ۱۳۸۷: ۱۹). «تحقیق کیفی در نقطه تمرکز خود چند روشی و متضمن رهیافت تفسیری - طبیعت‌گرایانه به موضوع مورد مطالعه است. این به معنای آن است که پژوهشگران کیفی اشیاء را در محیط‌های طبیعی خود مطالعه کرده و تلاش می‌کنند پدیده‌ها را برحسب معنایی که افراد به آن‌ها می‌بخشند معنادار کرده و تفسیر نمایند. تحقیق کیفی مستلزم کاربرد و گردآوری طیفی از مواد تجربی - مطالعه موردی، تجربه شخصی، درون‌نگری، داستان زندگی، مصاحبه، متون مشاهده‌ای، تاریخی و تصویری - است که لحظه‌ها و معانی عادی و چالش‌برانگیز در زندگی افراد را تشریح می‌کند» (محمد پور، ۱۳۸۹، ج ۲: ۹۴).

روش تحقیق حاضر، پدیدارشناسی است که از روش‌های تحقیق کیفی به شمار می‌رود. جایگاه فلسفی پدیدارشناسی به دیدگاه فلسفی هوسرل^۱ (۱۸۵۹ - ۱۹۳۸) برمی‌گردد. وی درصدد جواب به این سؤال مبنایی بود که اشیاء، کنش‌ها و رویدادها، چگونه در آگاهی کنشگر ظهور می‌یابند. در بررسی جواب به این پرسش محوری، پدیدارشناسی به عنصر اساسی تجربه در زندگی مردم توجه دارد؛ لذا تجربه نقطه مرکزی تمرکز پدیدارشناسی قرار گرفت. مباحث هوسرل، با دیدگاه‌های نظری شوتز^۲ (۱۹۵۹ - ۱۸۹۹) و پس از آن بر اساس نظریه کنش وبر توانست در عرصه علوم اجتماعی حضوری فعال یابد. شوتز در پی پاسخ به این سؤال برآمد که معانی ذهنی چگونه به دنیای عینی اجتماعی منتقل می‌شوند و در آن ظهور می‌یابند. شوتز تحت

¹ Husserl

² Schutz

تأثیر دیدگاه تفهومی وبر، علاقه‌مند به بازگشایی مسیری برای تحقیق علمی شد تا از طریق آن فهم همدلانه از تجربه آگاه و زیسته در دنیای اجتماعی حاصل شود (ایمان، ۱۳۹۱: ۶).

روش پدیدارشناسی درصدد درک لایه‌های عمیق معنایی تجربه‌های زیسته برخی افراد درباره یک مفهوم یا پدیده است (محمد پور، ۱۳۸۹، ج ۲: ۸۶). به بیان دیگر، پدیدارشناس به دنبال فهم معنای تجربه‌های مشترک افرادی از پدیده مورد مطالعه است و معتقد است که تجربه زیسته (تحت عنوان آگاهی) از امور فیزیکی، ارزش‌ها، حالات، فعالیت‌ها و احساسات قابل درک است. پدیدارشناس به دنبال معنای مشترک بین الازدهانی بین مشارکت‌کنندگان در یک تجربه است.

کرسول^۱ به دو رهیافت در روش پدیدارشناسی اشاره می‌کند: «پدیدارشناسی هرمنوتیکی» (تفسیری) و «پدیدارشناسی تجربی یا روان‌شناختی». تمایز این دو رهیافت در آن است که «رویکرد تفسیری به پدیدارشناسی، جداسازی تجربیات شخصی محقق را غیرممکن می‌داند» (کرسول، ۱۳۹۴: ۸۵)؛ اما «پدیدارشناسی روان‌شناختی یا توصیفی کمتر بر تفاسیر محقق و بیشتر بر توصیف تجربیات مشارکت‌کنندگان تأکید و تمرکز دارد. در این راستا، بر مفهوم مورد اشاره هوسرل یعنی اِپوخه (در پرانتز قرار گرفتن) تأکید می‌شود که در آن محقق از مجموعه تجربه‌های خود، حتی الامکان، برای دستیابی به دیدگاه بانشاط و پرمعنا از پدیده تحت مطالعه دوری می‌کند ... در پدیدارشناسی روان‌شناختی، محقق به شناسایی پدیده مورد مطالعه خود می‌پردازد، تجربیات خود را در پرانتز قرار می‌دهد و اطلاعات لازم را از تعدادی از افراد که آن پدیده را تجربه کرده‌اند، جمع‌آوری می‌کند» (ایمان، ۱۳۹۱: ۱۲). تحقیق حاضر، با رویکرد «پدیدارشناسی روان‌شناختی» انجام گرفته است.

همچنین برای تحلیل داده‌های حاصل شده از مصاحبه‌ها، از رویه گلازی^۲ استفاده شده است. این رویه شامل تعیین اظهارات مهم، ایجاد معانی و خوشه‌بندی آن‌ها در مضمون‌ها و ارائه توصیفی جامع از پدیده مورد مطالعه است (کرسول، ۱۳۹۴: ۱۹۴).

تکنیک جمع‌آوری اطلاعات

در روش پدیدارشناسی، اطلاعات از افرادی که پدیده مورد مطالعه را تجربه کرده‌اند، جمع‌آوری می‌شود. غالباً این اطلاعات از طریق مصاحبه‌های عمیق و مصاحبه‌های چندگانه از مشارکت‌کنندگان حاصل می‌شود (ایمان، ۱۳۹۱، ۲۸). البته روش‌های دیگر جمع‌آوری اطلاعات

¹ Creswell

² Colaizzi

مانند مشاهده اسناد و فیلم نیز مورد استفاده محقق قرار می‌گیرد (ایمان، ۱۳۹۱: ۲۸؛ کرسول، ۱۳۹۴: ۸۳). در تحقیق حاضر نیز از روش مصاحبه و مطالعه اسناد استفاده شده است. در مصاحبه‌ها، سؤالات ناظر به توصیف تجربه، زمینه‌های شکل‌گیری تجربه و معنای تجربه بود. سؤالات آغازین مصاحبه‌ها، در جدول ذیل آمده است:

جدول ۲. محورها و سؤالات آغازین مصاحبه

مخبر مورد پرسش	سؤال آغازین
مؤلفه تحصیل	نظرتان درباره درس خواندن طلاب چیست؟
مؤلفه تدین	تدین و اخلاق همسران را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا از ایشان رضایت دارید؟
مؤلفه تبلیغ	آیا با تبلیغ رفتن همسران موافق هستید؟ چرا؟
مؤلفه تلبس	نظرتان راجع به لباس روحانیت چیست؟
مؤلفه شهریه	به لحاظ اقتصادی، زندگی طلبگی را توضیح دهید.
کلیت زندگی طلبگی	زندگی طلبگی را چگونه تعریف می‌کنید؟

نمونه‌گیری

جمعیت مورد پژوهش در تحقیق حاضر، همسران طلاب هستند. نمونه‌گیری با روش نمونه‌گیری غیر احتمالی هدفمند و بر اساس ویژگی‌های شخصیتی متفاوت که می‌توانست به اشباع داده‌ها کمک کند، انجام گرفت. پولکینگ‌هورن^۱ مصاحبه میان ۵ - ۲۵ نفر را برای مصاحبه پدیدارشناسانه از کسانی که از پدیده مورد مطالعه تجربه لازم دارند، پیشنهاد می‌کند (ایمان، ۱۳۹۱: ۲۸)؛ در این پژوهش با ۱۷ نفر از همسران طلاب به مدت ۳۹ ساعت مصاحبه عمیق با رویکرد همدلانه انجام شده است. مشخصات مصاحبه‌شوندگان و مدت‌زمان اختصاص یافته به هر یک در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است:

¹ Polkinghorne

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

مدت زمان مصاحبه	شغل	تعداد فرزند	نوع ازدواج	مدت ازدواج	تحصیلات	سن	مشخصات
							شماره پاسخگو
۴ ساعت	خانه‌دار	۲	فامیلی	۱۵	دیپلم	۳۳	۱
۵ ساعت	خانه‌دار	۳	خواستگاری	۲۰	سیکل	۳۶	۲
۲ ساعت	خانه‌دار	۴	فامیلی	۱۷	سطح ۲	۳۷	۳
۱/۵ ساعت	خانه‌دار	۳	خواستگاری	۴۰	ابتدایی	۶۰	۴
۲ ساعت	خانه‌دار - خیاط	۲	خواستگاری	۱۵	کارشناسی	۳۵	۵
۲ ساعت	خانه‌دار	۲	خواستگاری	۱۰	ارشد	۳۶	۶
۱ ساعت	خانه‌دار - عکاس	۲	فامیلی	۷	کارشناسی	۲۹	۷
۱/۵ ساعت	خانه‌دار	۳	خواستگاری	۱۶	کارشناسی	۳۴	۸
۲ ساعت	خانه‌دار - کارهای نرم‌افزاری	۲	خواستگاری	۸	کارشناسی	۳۲	۹
۲/۵ ساعت	خانه‌دار	۲	خواستگاری	۱۳	کارشناسی	۳۳	۱۰
۳ ساعت	خانه‌دار	۲	خواستگاری	۱۶	سطح ۲ (نانام، ترک تحصیل)	۳۲	۱۱
۱ ساعت	خانه‌دار - ماما	۳	خواستگاری	۱۵	کارشناسی	۳۳	۱۲
۲ ساعت	خانه‌دار	۳	فامیلی	۱۰	دیپلم	۲۶	۱۳
۲ ساعت	خانه‌دار	۲	فامیلی	۹	دیپلم	۲۴	۱۴
۲ ساعت	دبیر	۵	خواستگاری	۳۵	سطح ۳ (در حال تحصیل)	۴۹	۱۵
۱/۵ ساعت	خانه‌دار	۱	خواستگاری	۶	کارشناسی - سطح ۲ (در حال تحصیل)	۲۷	۱۶
۴ ساعت	خانه‌دار - عکاس	۲	خواستگاری	۱۶	سطح ۲ (نانام، ترک تحصیل) - کارشناسی (در حالی تحصیل)	۳۵	۱۷

نمونه‌های مورد مطالعه، عمدتاً همسران طلابی هستند که در منطقه پردیسان قم سکونت دارند. پردیسان منطقه‌ای نوساز در ۱۱ کیلومتری جنوب غربی شهر است. بنا بر جدیدترین سرشماری، ۱۲۹ هزار نفر در این منطقه ساکن هستند (مرکز آمار ایران: ۱۳۹۵)؛ با توجه به وجود ده هزار واحد مسکونی برای طلاب، می‌توان جمعیت تقریبی طلاب ساکن در آن را با احتساب اجاره‌نشینی در سایر مجتمع‌ها، حدود ۱۲ هزار نفر برآورد کرد. بسیاری از مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی نیز اخیراً به این بخش از قم انتقال یافته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شعبه دوم موسسه امام خمینی (ره)، دانشگاه ادیان و مذاهب و موسسه امام صادق (ع) اشاره کرد.

طلاب ساکن در پردیسان، عمدتاً در مجتمع‌های مسکونی یا بلوک آپارتمان‌ها ساکن هستند. معمولاً در هر مجتمعی، مراسم دعا و زیارات در واحدها یا فضای عمومی مجتمع به صورت هفتگی برگزار می‌شود. پشتوانه رعایت قوانین مجتمع‌ها عمدتاً شرعی و نه حقوقی است و این امر در اطلاعیه‌های نصب‌شده در مجتمع‌های طلاب قابل مشاهده است.

پیشینه تحقیق

در میان مطالعات علمی روحانیت، مطالعات موردی بسیار نادر است و اغلب به صورت یک کل واحد مورد بررسی قرار گرفته است. در این میان مطالعات خرد و انضمامی و مستقل سهم اندکی را دارند (سلیمانیه، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۱). بنا بر جستجوهای نگارندگان، تاکنون هیچ تحقیق علمی پیرامون تجربه زیسته همسران طلاب از زندگی طلبگی انجام نگرفته است؛ درعین حال برخی تحقیقات انجام‌گرفته را می‌توان به موضوع تحقیق حاضر نزدیک دانست.

کتاب «طلبه زیستن؛ پژوهشی مقدماتی در سنخ‌شناسی جامعه‌شناختی زیست طلبگی» (۱۳۹۲) پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهدی سلیمانیه، از جمله تحقیقات جامعه‌شناختی در زمینه زیست طلبگی است که با راهنمایی سارا شریعتی انجام گرفته است. نویسنده در فصل دوم این کتاب که اصلی‌ترین بخش تحقیق به شمار می‌رود - و خلاصه آن نیز در قالب مقاله‌ای منتشر شده است (شریعتی‌مزینانی و سلیمانیه، ۱۳۹۴)، به بررسی ویژگی‌های جامعه‌شناختی نمونه نوعی محصل علوم دینی پرداخته است. نویسنده با تقسیم طلاب به دو گونه سنتی و نوگرا، در بخش نگاه طلاب به زن و خانواده - که با موضوع تحقیق حاضر مرتبط است - می‌نویسد: «درباره نوع رابطه اجتماعی طلاب با همسر، با مطالعه و بررسی مصاحبه‌ها، دو الگوی کلی رابطه

اجتماعی با همسر در میان طلاب نمونه ظاهر شد: اول رابطه‌ای که آن را رابطه «محبت‌آمیز تبعیت‌جویانه» می‌نامیم و دوم رابطه «محبت‌آمیز مساوات‌گرایانه». همان‌گونه که از این نام‌گذاری مشخص است، تمام طلاب حاضر در نمونه با وجود تفاوت‌هایشان درباره زنان (در اینجا همسر)، در ویژگی «محبت‌آمیز» بودن رابطه (بالقوه یا بالفعل) مشترک بودند. هیچ نوع نگاه خشونت‌آمیز عربانی در ذهنیت طلاب نسبت به همسرانشان مشاهده نمی‌شد؛ اما تمایز از آنجا خود را نشان می‌داد که طلاب گروه اول با وجود نگاه محبت‌آمیز، اعتقاد ذهنی و گرایش عملی به بالاتر بودن جایگاه مرد در خانواده در مقام تصمیم‌گیری، روا بودن اتخاذ تصمیم نهایی از سوی آن‌ها برای همسر، تأکید بر عنصر لزوم «شبهات» یافتن حداکثری سبک زندگی زن به سبک زندگی مرد و لزوم تبعیت‌پذیری زن از شوهر در نهاد خانواده داشتند؛ این در حالی است که طلاب دسته دوم به مفاهیمی همچون مساوی بودن جایگاه زن و شوهر در مقام تصمیم‌گیری، قائل شدن حوزه شخصی و فردی برای طرفین که در آن نظر و تشخیص خود فرد (چه زن و چه مرد) متغیر نهایی و ملاک تصمیم‌گیری است و عدم لزوم شبهات یافتن سبک زندگی زن به مرد در برخی موارد و حتی ستایش «تفاوت» در سبک زندگی زن و مورد در برخی ابعاد معتقد بودند. به بیان جامعه‌شناختی، شاید بتوان گفت: طلاب دسته اول به‌نوعی رابطه مبتنی بر «اقتدار» معتقد بودند؛ به این معنا که اعمال قدرت مرد به‌عنوان فرد اول خانواده، با نوعی محبت همراه است و همسر به‌صورت درونی این اعمال قدرت را «می‌پذیرد» و حال آنکه نوع رابطه مطلوب از دید دسته دوم، رابطه افقی است و اعمال قدرت در خانواده بر همسر یا به‌طور کلی مطرح نمی‌شود و یا بسیار کم‌رنگ‌تر از گروه دیگر مطرح می‌گردد. در خصوص موضوع اشتغال همسر، طلاب نمونه به دو دسته متمایز تقسیم شدند: گروه اول طلابی که علاقه‌ای به اشتغال همسر و فعالیت اقتصادی او در خارج از منزل ندارند و بیشتر دوست دارند که زن در منزل حضور داشته باشد و به وظایف سنتی نقش همسری، مانند تربیت فرزند یا سایر امور منزل بپردازد و گروه دوم که نه‌تنها درباره اشتغال زن نگاه منفی ندارد بلکه حتی گاهی از آن به‌عنوان یک نکته مثبت و گاهی «لازم» یاد می‌کند. نکته جالب در این میان، استثنا قلمداد شدن فعالیت علمی، پژوهشی و تحصیلی است؛ به این معنا که طلاب دسته اول که علاقه‌ای به اشتغال همسرانشان در بیرون از منزل ندارند، تنها در یک زمینه این مسئله را می‌پذیرند و آن مشاغلی است که به‌نوعی آموزشی، پژوهشی یا علمی باشد. از سوی دیگر، طلاب دسته دوم هم با وجود عدم مخالفت با اشتغال زنانشان در سایر مشاغل، برای این دسته از حرفه‌ها برتری قائل‌اند.» (شریعتی‌مزینانی و سلیمانیه، ۱۳۹۴).

آنچه در پژوهش شریعتی و سلیمانیه مورد بررسی قرار گرفته است، ادعای خود طلاب نسبت به نگرش و عملشان در رابطه با خانواده است؛ اما به نظر می‌رسد در رابطه با چنین موضوعی بررسی نگرش همسران طلاب، می‌تواند اعتبار بیشتری داشته باشد. چه بسا یافته‌های پژوهش حاضر، نتایج تحقیق مزبور را به چالش بکشد. در این تحقیق از بخش‌های توصیفی «طلبه زیستن» درباره طلاب استفاده شده است.

از جمله دیگر پژوهش‌های انجام گرفته که می‌تواند به‌منزله پیشینه تحقیق حاضر قلمداد شود، مقاله «بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی دانشجویان و طلاب» است. هدف این پژوهش، شناخت سبک زندگی طلاب و دانشجویان و مقایسه رابطه بین عوامل اجتماعی و فرهنگی با سبک زندگی در دو گروه فوق‌الذکر است. روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل کلیه طلاب و دانشجویان شاغل به تحصیل در سال ۹۵-۱۳۹۴ در شهر گرگان است که ۳۹۹ نفر از آنان با استفاده از فرمول کوکران تعیین و به‌عنوان نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب، انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج این تحقیق نشان داد که غلبه سبک زندگی طلاب از نوع سنتی و در مقابل غلبه سبک زندگی دانشجویان از نوع بینابین (متمایل به مدرن) است (خوش فر، ۱۳۹۵).

چارچوب مفهومی

سبک زندگی

سبک زندگی^۱ دارای دو رویکرد اصلی است: جامعه‌شناختی و روان‌شناختی. رویکرد جامعه‌شناختی به مطالعه رفتار افراد، برای طبقه‌بندی آنان در ذیل دسته‌های چندگانه می‌پردازد و رویکرد روان‌شناختی با سطح تحلیلی بسیار خردتر، به مطالعه رفتار هر فرد برای شناخت بیشتر خود وی می‌پردازد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷). در تحقیق حاضر، سبک زندگی به رویکرد جامعه‌شناختی آن نزدیک‌تر است.

در هر دو رویکرد که جهان غرب به منصفه ظهور رسیده است، مصرف مؤلفه‌ای بنیادین به شمار می‌رود؛ هرچند برخی پژوهشگران واژه مصرف را عام و شامل همه امور زندگی تعریف کرده‌اند، اما نمی‌توان از صبغه اقتصادی و مادی آن چشم پوشید. از سوی دیگر، سبک زندگی مصطلح، بر محوریت فردگرایی قرار دارد که یکی از مؤلفه‌های مدرنیته به شمار می‌رود؛ از این رو،

^۱. lifestyle

سبک زندگی در تحقیق حاضر حائز تفاوت‌هایی با سبک زندگی مصطلح در علوم اجتماعی است و شاخصه‌های جهان مدرن غرب در آن لحاظ نمی‌شود؛ بلکه بیشتر به معنای روش زندگی است.

طلبه

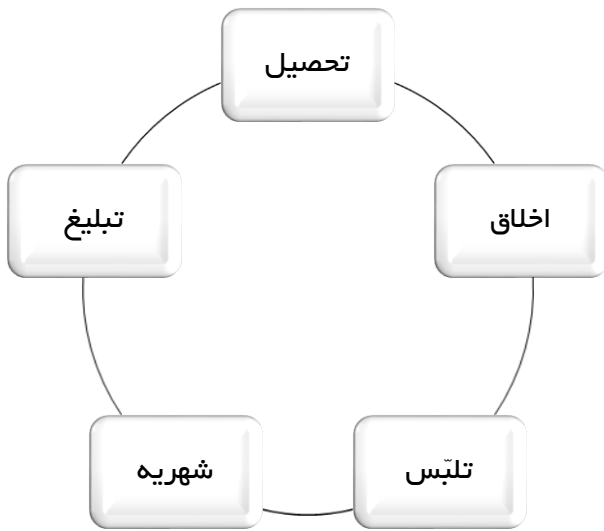
در این تحقیق طلبه به فردی اطلاق می‌شود که دارای سابقه تحصیل رسمی در مدارس علمیه قم یا دیگر شهرها، حداقل تا سطح دو، بوده و اکنون به صورت مجلس یا غیرمجلس، با اظهار هویت طلبگی، به فعالیتی هر چند خارج از امور حوزوی مشغول است.

سبک زندگی طلبگی

برای دقت بیشتر پیرامون سبک زندگی طلبگی، با مطالعات اسنادی و میدانی انجام گرفته توسط نگارندگان، مؤلفه‌های ذیل به عنوان ابعاد سبک زندگی طلبگی مشخص شدند که در این تحقیق، درباره هر یک، تجربه همسران طلاب مورد بررسی قرار گرفته است.

«تحصیل علم» اولین گام در هویت و سبک زندگی طلبگی است که همراه با آن، «عمل» جواری (بدنی) و جوانی (قلبی) به علوم آموخته شده جای دارد. طلبه بیش از سایر اقشار ملتزم به احکام الهی و همچنین متخلق به اخلاق پسندیده شرعی می‌شود تا بدانچه آموخته، عمل کرده باشد. پس از علم و عمل، نوبت به «تبلیغ دین» می‌رسد که طلبه در این گام می‌کوشد جامعه را نیز با علوم دینی آشنا سازد و آن‌ها را به عمل به آن معارف دعوت کند. به بیان دیگر، پس از خودسازی، نوبت به دگرسازی و جامعه سازی می‌رسد.

در کنار این سه بعد بنیادین، می‌توان از «تلبُّس» (پوشیدن لباس روحانیت، مُعَمَّم شدن) و «شهریه» (دریافتی ماهانه طلاب که توسط مراجع تقلید پرداخت می‌شود) نیز نام برد که از جنبه‌های اختصاصی زندگی طلبگی است.



شکل ۱ مؤلفه‌های سبک زندگی طلبگی

۱. تحصیل

تحصیل در حوزه علمیه شامل چهار مرحله سطح یک (شش سال)، سطح دو (سه سال)، سطح سه (یک سال، همراه با پایان‌نامه) و سطح چهار یا درس خارج (به‌طور متوسط ده سال) است. درس خارج عالی‌ترین مقطع تحصیلی در حوزه علمیه است که طلاب زیر نظر مجتهدان، خارج از متن کتب فقهی و اصولی، به تحقیق می‌پردازند.

در این پژوهش منظور از این مؤلفه، مواردی مانند ساعت روزانه، مدت تحصیل، محتوای دروس و هرگونه تأثیر آن بر همسران طلاب است.

۲. اخلاق

در این تحقیق، اخلاق شامل ارتباط میان فردی دینی آنان با دیگران، به‌ویژه با همسر و فرزندانشان است.

۳. تبلیغ

منظور از تبلیغ دینی، اعزام به‌طور مقطعی یا دائم (مانند طرح هجرت) به شهرهای دیگر برای انجام امور تبلیغی دینی است. این تبلیغ شامل تبلیغ طلاب و تبلیغ خود همسران طلاب می‌شود. دهه محرم، دهه صفر، دهه‌های فاطمیه و ماه مبارک رمضان بیشترین مقطع زمانی تبلیغی طلاب است. معمولاً طلاب بعد از اخذ مدرک سطح یک، امکان اعزام تبلیغی را پیدا می‌کنند. در قم،

نهادهای چندگانه‌ای به‌طور مستقل نسبت به ثبت‌نام و اعزام مبلغان اقدام می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به دفتر تبلیغات اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه و عقیدتی سیاسی سازمان‌های نظامی اشاره کرد.

۴. تلبس

طلاب پس از اخذ مدرک سطح یک، این اجازه را می‌یابند که در صورت تمایل و پس از گذراندن کلاس‌های چندگانه‌ای پیرامون زی طلبگی و مسائل روز و قبولی در مصاحبه شفاهی، لباس روحانیت را بر تن کنند.

این مطالعه قصد دارد به معنای پوشیدن این لباس توسط طلاب در ذهن همسرانشان و نقش آنان در این امر بپردازد.

۵. شهریه و امور معیشتی

بخش اصلی درآمد اکثریت طلاب را شهریه تشکیل می‌دهد. شهریه مبلغی است که ماهانه از سوی برخی از مراجع تقلید، برای تأمین هزینه زندگی به طلاب پرداخت می‌شود. میزان شهریه بر اساس پایه تحصیلی و با چهار رتبه مشخص می‌شود: مقدمات (پایه یک تا ششم)، رتبه یک (پس از قبولی در آزمون کتبی و شفاهی پایه ششم)، رتبه دو (پس از قبولی در آزمون کتبی و شفاهی پایه هفتم)، رتبه سه (پس از قبولی در آزمون کتبی و شفاهی پایه دهم و ملبس بودن). همچنین مجرد یا متأهل بودن نیز در میزان شهریه مؤثر است و شهریه طلاب مجرد، نصف شهریه طلاب متأهل است.

میزان شهریه طلاب «متأهل» به تفکیک رتبه شهریه و مراجع در جدول ذیل آورده شده است:

جدول ۲. شهریه پرداختی مراجع به طلاب متأهل، سوال ۱۴۳۹ (خرداد ۱۳۹۷)^۱

رتبه سه	رتبه دو	رتبه یک	مقدمات	رتبه شهریه مراجع
هزار ۵۶۰	هزار ۴۶۰	هزار ۳۶۰	هزار ۲۸۰	آیت‌الله خامنه‌ای
هزار ۱۲۰	هزار ۷۰	هزار ۴۵	عدم پرداخت	آیت‌الله مکارم شیرازی
هزار ۱۲۰	هزار ۷۰	هزار ۵۵	هزار ۵۵	آیت‌الله سیستانی
هزار ۱۰۰	هزار ۵۵	هزار ۴۵	عدم پرداخت	آیت‌الله وحید خراسانی

۱. مقادیر به تومان هستند.

رتبه سه	رتبه دو	رتبه یک	مقدمات	رتبه شهریه / مرجع
۶۰ هزار	۳۰ هزار	۲۵ هزار	عدم پرداخت	آیت‌الله صافی گلپایگانی
۲۰ هزار	۱۵ هزار	۱۰ هزار	عدم پرداخت	آیت‌الله مظاهری
۱۰ هزار	۱۰ هزار	۱۰ هزار (گاهی)	۱۰ هزار (گاهی)	آیت‌الله جوادی آملی
عدم پرداخت	عدم پرداخت	عدم پرداخت	عدم پرداخت	آیت‌الله شبیری زنجانی
عدم پرداخت	عدم پرداخت	عدم پرداخت	عدم پرداخت	آیت‌الله سبحانی
عدم پرداخت عمومی	عدم پرداخت عمومی	عدم پرداخت عمومی	عدم پرداخت عمومی	آیت‌الله نوری همدانی
۸۰ هزار	۸۰ هزار	۸۰ هزار	۷۰ هزار	کسر تأمین اجتماعی
۹۱۰ هزار	۷۱۰ هزار	۴۵۰ - ۴۶۰ هزار	۲۶۵ - ۲۷۵ هزار	مجموع

سازمان پژوهش‌های علمی و تحقیقاتی
فصلنامه انجمن ایرانی
مطالعات فرهنگی و ارتباطات
۲۶۳

مطالعه پدیدارشناختی
تجربه زیسته همسران
طلاب از سبک زندگی ...

البته شمار محدودی از طلاب با برنامه‌ریزی شخصی و در صورت دارا بودن شرایط لازم، در برخی ادارات و نهادهای دولتی یا غیردولتی، معمولاً به صورت قراردادی و پاره‌وقت، مشغول به کار علمی، پژوهشی یا اجرایی می‌شوند.

حق الزحمه حاصل از تبلیغ نیز متفاوت است و این رقم را هیئت‌امنانی مساجد و تکایایی که طلبه برای تبلیغ به آنجا رفته است، تعیین می‌کنند. مراکز اعزام مبلغان مانند دفتر تبلیغات اسلامی، در سال‌های اخیر، حق الزحمه‌ای بابت تبلیغ به مبلغان پرداخت نمی‌کنند؛ از این رو اگر در محل تبلیغی، میزبانان داوطلبانه هدیه‌ای را به مبلغان پرداخت نکنند، یک طلبه مبلغ، حتی هزینه رفت‌وآمد را نیز شخصاً پرداخت می‌کند.

برخلاف باور رایج در بین بسیاری از نخبگان و عموم مردم، طلاب و روحانیان، از درآمد مستمر دیگری برخوردار نیستند. هبه، نذر و مواردی این گونه نیز در زندگی طلاب وارد نمی‌شود و بر اساس احکام شرعی، این گونه پرداخت‌های مردم به دفاتر مراجع، اصولاً به طلاب تعلق نمی‌گیرد.

بنا بر تحقیقات نگارندگان، مرکز خدمات حوزه‌های علمیه به خدماتی همچون بیمه تأمین اجتماعی، فروشگاه برای خرید اقساطی، هماهنگی برای اقامت در زائرسرای ولایت مشهد، برگزاری کلاس‌هایی مانند گلدوزی و سفره‌آرایی برای همسران طلاب می‌پردازد. این مرکز،

به محض اشتغال طلاب به اندازه ۱۰۰ ساعت در ماه، حتی به صورت پاره وقت و موقت، با قطع شهریه طلبگی، بسیاری از اقدامات حمایتی خود از طلبه را نیز متوقف می‌کند. در بررسی تجربه زیسته همسران طلاب در این مؤلفه، به شهریه و میزان آن و کلیت وضعیت مالی طلاب پرداخته می‌شود.

یافته‌های پژوهش

در این بخش داده‌های مصاحبه‌های انجام‌گرفته با همسران طلاب، مورد تحلیل قرار گرفتند که یافته‌های آن پیرامون تجربه آن‌ها از زندگی طلبگی و مؤلفه‌های آن به شرح ذیل است:

۱. تحصیل

بنا بر یافته‌های تحقیق، همسران طلاب در نگاه به تحصیل علوم حوزوی دو دسته هستند. یک گروه، تحصیل این دروس را دینی و الهی می‌دانند و برای آن تأثیرات ناخودآگاه مثبت اخلاقی و عملی قائل هستند.

در این باره خانم ف. ۲۹ ساله، پاسخگوی شماره ۷ می‌گوید: «من در مورد خودم می‌گم. به وقتایی خیلی کم می‌بینمش. در حد شب و وقت خواب. به وقتایی هم بهتره؛ اما خب وقتی زندگی‌ام رو با بقیه مقایسه می‌کنم، خیلی مردا هستن که صبح تا شب نیستن خونه. حالا یکی میره سرکار، یکی وقتشو صرف خدا و دین می‌کنه. این ارزشش بیشتره به نظرم».

و یا خانم ع. ۳۴ ساله، مصاحبه‌شونده شماره ۸ می‌گوید: «چون روایت‌ها و حدیث‌ها رو زیاد می‌خونم، سعی می‌کنم توی زندگی و برخوردشون با خانواده استفاده کنن. به نظر من نزدیکی به خدا رو بیشتر میشه تو زندگی با یه طلبه حس کرد».

اما گروه دیگر عمدتاً تحصیلات حوزوی را بی‌برنامه و طولانی، تمام‌وقت، قدیمی، بی‌توجه به حل مسائل و مشکلات جامعه، احکام‌گرا، کم‌توجه به آموزش‌های اخلاقی و آداب معاشرت با خانواده و مردم می‌دانند.

خانم خ. ۳۶ ساله، نمونه شماره ۶ توضیح داده است: «به نظرم نصف بیشترش وقت تلف کردنه. احکام هم زیادش خوب نیست. اخلاق و سیاست رو بیشتر کنن بهتره. یکم زرداری یادشون بدن ... تازه توی حوزه باید راه حل مشکلات فرهنگی جامعه بروز بشه. به طلبه‌ها راه ارتباط گرفتن و صحبت کردن درست با مردم رو یاد بدن ... تا وقتی میره تبلیغ بتونه مردم رو جذب کنه... متأسفانه تو گزینش حوزه هم سهل‌انگاری میشه».

و همین طور خانم ن. ۳۵ ساله، مصاحبه‌شونده شماره ۵ می‌گوید: «چیزی که به نظرم جاش خالیه یه کتاب با زبان مادری شون تو رفتار با زن و زندگیه، بین من زندگی طلبگی رو می‌پسندم اما این طور طلبه‌ها رو نه ... برنامه‌ریزی حوزه که به نظرم داغونه. می‌دونی می‌خوام بگم تو اوضاع تدریس و اساتید بی‌تجربه الان حوزه، فکر نکنم بشه آقای مجتهدی‌ای از توشون درآورد».

۲. اخلاق

همان‌گونه که گذشت، این بخش شامل ارتباط میان فردی دینی طلاب، به‌ویژه با همسر و فرزندان و همچنین توجه به تفریحات و گذران اوقات فراغت آن‌ها می‌شود. همسران طلاب در نسبت با این مؤلفه زندگی طلبگی نیز دو گروه هستند.

عده‌ای حس خوبی را تجربه کرده‌اند و از حسن خلق طلاب سخن می‌گویند. این گروه در زندگی خود احترام به جایگاه زن در خانواده، توجه به پیشرفت و افزایش آگاهی‌های زن، توجه به آزادی و بازی فرزند تا هفت‌سالگی، مورد احترام فامیل بودن، رعایت احکام شرعی و تقوا ورزی و عفت طلاب را دیده‌اند.

مثلاً خانم م. ۲۴ ساله، پاسخ‌دهنده شماره ۱۴ می‌گوید: «اینکه مثل خودم دقیق هست رو دوست دارم. حواسش به آزادی بچه هست. به من هم احترام میداره. تشویقم می‌کنه برم چیزای دینی رو یاد بگیرم. حالا مثلاً قرآنی، احکامی». هم‌چنین خانم خ. ۳۶ ساله، مصاحبه‌شونده شماره ۶ می‌گوید: «از نظر برخوردی اخلاقیش خوبه. اهل داد و بیداد و زیاد حرف زدن نیست».

گروه دوم حس خوبی ندارند و تجربه خود را مثبت ارزیابی نمی‌کنند. این دسته از فقدان ابراز احساسات و عاطفه نسبت به همسر، مخالفت با تحصیل زن و هرگونه فعالیت اجتماعی وی، الزام محدودیت پوششی و ارتباطی شدید برای زن و فرزندان دختر، عدم مهارت در تربیت فرزند، خودرایی و سلطه‌گری و غرور، فقدان سعه‌صدر و عدم تحمل عقاید و سبک‌های زندگی دیگران (اقوام و آشنایان) در طلاب گلایه دارند.

بنا به گفته برخی همسران طلاب، جدایی مباحث اخلاقی اندک طرح‌شده در حوزه از رویه تربیتی نیز، ضمانت و التزام عملی آن را از بین برده است. همسران طلاب معتقدند اگر هم شاهد تجلی‌های حسن خلق در همسرانشان هستند، ناشی از توجه شخصی همسرانشان به روایاتی است که بر حسن خلق با دیگران و به‌ویژه خانواده تأکید می‌کنند، نه به دلیل تربیت یا آموزش خاصی در حوزه. در نتیجه بی‌توجهی عمده در طلاب نسبت به اخلاقیات را ناشی از بی‌توجهی

نظام آموزشی و تربیتی حوزه به این مباحث می‌دانند. آنان تمرکز زیاد بر احکام را غیر لازم و در عوض آموزش اخلاق معاشرت و همسرداری و تربیت فرزند را مورد نیاز می‌دانند.

به عنوان نمونه خانم ز. ۳۶ ساله، مورد مطالعه شده شماره ۲ می‌گوید: «نداشت من هیچ چیزی بیرون خونه یاد بگیرم. همش می‌گفت اینا رو می‌خوای چیکار؟ اینقدر محدودم کرد که الان احساس حقارت می‌کنم. البته الان خودشم پشیمونه و می‌خواه جبران کنه، اما چه فایده؟ من دیگه آدم سابق نیستم».

و یا خانم م. ۳۲ ساله، پاسخ‌گوی شماره ۱۱ می‌گوید: «شوهر من، اعتماد به نفس نداشته‌اش رو پشت غرور و سلطه‌اش پنهون می‌کنه. روابط اجتماعی‌اش خوب نیست. انگار خودش رو بهتر (از بقیه) می‌دونه. نمی‌دونم. احساس می‌کنم از درساش اینا رو یاد گرفته. شایدم این‌طور نباشه». یکی از ابعاد ارتباط با خانواده را می‌توان برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت، تفریح، مسافرت، دید و بازدید و مواردی از این قبیل دانست. مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این امر نیز دو دسته هستند.

دسته‌ای وضعیت تفریحات خانواده‌شان را خوب و راضی‌کننده ارزیابی می‌کنند. دلیل نگرش مثبت آن‌ها تأمین شدن نیازهای تفریحی خانواده، از سوی طلاب است. البته تعدادی از پاسخگویان این وضعیت خوب را فقط محدود به امکانات و فرهنگ موجود در شهر قم می‌دانند که به همسرانشان امکان تأمین نیازهای خانواده را در چارچوب‌های صحیح می‌دهد. چرا که در خارج از شهر قم و هنگامی که به زادگاهشان یا شهرهای دیگر سفر می‌کنند، تنگنای شدیدی را حس می‌کنند. این تنگنا عمدتاً مربوط به عدم وجود فضای شرعی و فرهنگی مناسب برای رفتن به اماکن تفریحی عمومی مثل دریا، رستوران‌ها یا کافی‌شاپ‌ها، سینماها و پارک‌ها و در نتیجه محروم شدن از این تفریحات می‌شود.

خانم م. ۲۴ ساله، همسر طلبه شماره ۱۴ در پاسخ گفته است: «توی قم خوبه، راحت تقریباً، حرم می‌ریم، پارک می‌ریم؛ اما توی شهرستان خیلی همیشه بیرون رفت. خب میدونی مردم اونجاها عادت به دیدن یه آخوند توی پارک و بازار ندارن، یا مثلاً سر و وضعشون جوریه که نمی‌تونیم بریم لابلاشون بشینیم، خودتون می‌دونین دیگه...».

گروهی که از اوقات فراغت خود احساس خوبی ندارند، نیازهایشان را برطرف نشده می‌بینند. برخی می‌گویند وقت طلاب اجازه نمی‌دهد برای تفریح زمانی داشته باشند. آن‌ها بیشتر فرصت‌های خود را مشغول برنامه‌های حوزوی خود هستند. عده‌ای از همسران طلاب بر این باورند که

محدودیت‌های مالی اجازه بسیاری از تفریحات را به طلاب نمی‌دهد. همچنین تعدادی نیز می‌گویند که برخی طلاب از نیاز خانواده خود به تفریحات سالم غفلت دارند و یا حداقل، میزان نوع تفریحات لازم برای خانواده را به خوبی نمی‌شناسند.

به عنوان مثال خانم ف. ۲۹ ساله، مصاحبه‌کننده شماره ۷ می‌گوید: «افتضاحه. نهایتش توی خونه فیلم ببینیم یا بریم بوستان علوی بشینیم، وقت نداره کلا» و یا خانم س. ۳۰ ساله، پاسخ‌دهنده شماره ۱۰ می‌گوید: «خونواده‌های طلاب تفریح خوبی ندارن. اولش پوله. دومش هم انگار اونا قبول کردن که خیلی از تفریحا باید حذف بشه. چون مال آدمایی با ظاهر متفاوت از ماست».

۳. تبلیغ

گروهی از همسران طلاب، تبلیغ را وظیفه صنفی و دینی خود قلمداد می‌کنند و از این باب آن را لذت‌بخش می‌دانند؛ آنان ارتباط با مردم را دوست دارند.

مثلاً خانم م. ۳۵ ساله، توضیح‌دهنده شماره ۱۷ می‌گوید: «به نظرم تبلیغ برای طلبه‌ها یه وظیفه‌اس؛ ولی دوس داشتنی هم هست. کلا ارتباط گرفتن با مردم خیلی جذابه. البته باید خودشون اهل عمل باشن تا فایده داشته باشه».

خانم س. ۳۳ ساله، پاسخ‌دهنده شماره ۱۲ می‌گوید: «تبلیغ رفتن رو خیلی دوست دارم، پیش مردم خاکی و ساده‌دل. چیزایی بهشون میگی که برای ما عادیه ولی برای اونا جدیده و نو... خلاصه کلی انرژی می‌گیرم از تبلیغ».

علی‌رغم این علاقه‌مندی، همسران طلاب معمولاً به تبلیغ نمی‌روند. فقدان امکانات برای اسکان خانواده در منطقه تبلیغی از مهم‌ترین عوامل این امر است. همچنین فعال بودن مدارس فرزندان، نداشتن دانش دینی لازم برای پاسخگویی به سؤالات زنان در منطقه‌های تبلیغی و یا بالا بودن توقع مردم از دانش دینی همسران طلاب، از دیگر عوامل مورد اشاره بوده است.

به عنوان مثال خانم ز. ۳۶ ساله، مصاحبه‌شونده شماره ۲ در پاسخ می‌گوید: «من اوایل می‌رفتم اما بعد دیگه نرفتم. آخه بلد نبودم جواب سوالات خانوما رو بدم. اونا فکر می‌کردن چون من زن آخوندم باید اندازه شوهرم بلد باشم».

البته برخی از پاسخ‌گویان، تبلیغ را مضر به حال خود و خانواده‌شان می‌دانند؛ زیرا تفاوت فاحشی را بین سطح زندگی دینی در مناطق مورد تبلیغ با زندگی خودشان احساس می‌کنند که می‌تواند اثراتی منفی بر زندگی و تربیت فرزندانشان بگذارد.

خانم آ. ۲۶ ساله، مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ توضیح داده است: «همسرم تبلیغ نمی‌ره. منم دوست ندارم که بره. آخه خیلی خوب نیست. بعد برگشتن از تبلیغ تا چند وقت اثراش باقیه ... من دوست ندارم».

نوع دیگری از تبلیغ، تبلیغ بلندمدت یا هجرت است که به صورت جداگانه تجربه زیسته همسران طلاب در مورد آن بررسی شد. گروهی از همسران طلاب، به هجرت، حتی هجرت به زادگاه خود، نگاه منفی دارند. سهولت زندگی طلبگی در شهر قم (مانند فقدان محدودیت‌های مختلف و عدم وجود توقعات غیرمنطقی مردم از طلاب در قم)، سهولت تحصیل همسران طلاب در قم، وجود حرم حضرت معصومه (س) در قم، سخت بودن تربیت فرزندان در خارج از شهر قم (ناشی از وضعیت نابسامان مدارس، وضعیت بدپوششی)، سخت بودن ارتباط مداوم با اقوام و خویشان به دلیل متفاوت شدن سبک زندگی، از دلایل این ذهنیت است.

خانم س. ۳۳، پاسخ‌گوی شماره ۱۲، اهل تهران، می‌گوید: «من از تهران و تهرانی‌ها قطع امید کردم، همشون به یه نوع روزمرگی رسیدن، سعی در درست کردنش هم ندارن ولی مشکلشون رو نظام و دین می‌دونن! اینجا آرامشی دارم که اونجا ندارم».

گروه دیگر هجرت را لازم می‌دانند؛ چرا که انجام بهتر وظیفه تبلیغ دین، ارتباط بیشتر با مردم، خارج شدن از فضای محدود ارتباط با طلاب و بازگشت به نزد خانواده و اقوام را در آن می‌بینند.

به عنوان نمونه خانم م. ۳۲ ساله، همسر طلبه شماره ۱۱ می‌گوید: «دور از خانواده بودن اصلاً خوب نیست، کم‌کم احساس آدم خشک می‌شه».

۴. تلبس

همسر بیشتر نمونه‌های مورد مطالعه، به صورت دائم ملبس هستند. مصاحبه‌شوندگان، اعم از آنانی که همسرانشان ملبس یا غیرملبس هستند، به دو دسته قابل تقسیم هستند.

عده‌ای به تلبس نگاهی مثبت دارند و آن را لباس انجام وظیفه و مقدس می‌دانند. همچنین پوشیدن لباس روحانیت توسط همسرانشان را نشان‌دهنده تثبیت شدن هویت طلبگی در آنان و

عدم تردیدشان در میثاق طلبگی تفسیر می‌کنند. در عمل نیز اگر همسرشان ملبس است، او را تأیید می‌کنند و به این رفتارش افتخار می‌کنند. اگر همسرشان ملبس نیست، محبت به این لباس را در دل دارند و او را به این کار تشویق می‌کنند.

خانم ح. ۳۲ ساله، نمونه شماره ۹ می‌گوید: «من خیلی دوست دارم لباس پیغمبرو بپوشه. احساس می‌کنم از بلا تکلیفی در میاد. نمی‌فهمم چرا با دست پس می‌زنه با پا پیش می‌کشه. این چه جور طلبه‌ایه؟»

تعدادی نیز به علت داشتن خاطره بد در کودکی از روحانیون و یا افزایش مسئولیت و محدودیت برای طلبه و خانواده‌اش، نسبت به تلبس همسرانشان بی‌علاقه هستند. برخی از آن‌ها، عملاً نیز مانع تلبس همسرانشان شده بودند و برخی در تلبس یا عدم تلبس همسرانشان نقشی نداشته‌اند.

خانم س. ۳۰ ساله، پاسخ‌دهنده شماره ۱۰ که همسرش ملبس است در این باره می‌گوید: «انگشت‌نما و تابلو بودن رو دوست ندارم، مثلاً اینکه مرتب به بچه‌ام بگن بچه شیخ رو ببین! یا به خودم مرتب بگن زن آخوند رو نگاه کن و نشه بدون سروصدا زندگی کرد، من زندگی آروم رو دوست دارم.»

۵. شهریه و امور معیشتی

معنای شهریه در نزد همسران طلاب با دو مضمون کلی قرابت دارد. مضمون برکت که متعلق به دسته‌ای است که شهریه را هدیه امام زمان (عج) و عزیز می‌شمارند. متعاقب آن به مقدار شهریه نیز اهمیتی نمی‌دهند.

خانم ع. ۳۴ ساله، پاسخ‌گوی شماره ۸ در این رابطه می‌گوید: «شهریه کمه، اما خب خدا رو شکر در نمی‌مونیم. میشه کم بیاریم، ولی بالاخره می‌گذره. شهریه کافی نیست ولی خیلی برکت داره.»

گروه دوم، گروهی هستند که شهریه را حقوقی تعیین شده از سوی مراجع تقلید، کم و ناکافی برای گذران زندگی یک طلبه می‌دانند. به نظر می‌رسد این دسته از خانواده‌های طلاب پایین بودن میزان شهریه را عمدی می‌دانند نه در اثر کمبود منابع مالی. آن‌ها گمانه‌هایی را به‌عنوان دلیل تعیین این میزان کم برای شهریه‌ها از سوی دستگاه حوزه، مطرح و سپس آن دلایل را نادرست می‌دانستند. به‌عنوان نمونه دلیل احتمالی «حفظ ساده‌زیستی و عدم ورود اشرافیت و

تجملات به زندگی طلاب» را با گزاره «مخرب بودن فقر تحمیلی» و دلیل احتمالی «تشویق طلاب به سفرهای تبلیغی» را با عبارت «غیر صحیح بودن تبلیغ با نیت مادی» نقد می‌کردند. خانم ع. ۳۳ ساله، توضیح‌دهنده شماره ۱ می‌گوید: «به نظر من زاهد بودن با فقر تفاوت داره، زاهد بودن انتخابی هست و فقر تحمیلی. شهریه کافی ندادن به طلاب بیشتر به فقیر بودن شبیه تا سادگی و بی‌توجهی به دنیا».

برخی مصاحبه‌شوندگان دارای همسران شاغل هستند که اشتغال بسیاری از آن‌ها در مراکز مرتبط با حوزه است، همین امر باعث می‌شود که حقوق دریافتی اشتغال آن‌ها نیز در مقایسه با موارد مشابه، به نحو قابل توجهی کمتر باشد؛ در نتیجه علی‌رغم اشتغال همسرانشان، همچنان نیازهای مالی آن‌ها پابرجاست.

۶. کلیت زندگی طلبگی

همسران طلاب در قبال کلیت زندگی طلبگی به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ای که ذهنیتشان مثبت است و زندگی طلبگی را با عباراتی نظیر سادگی، حضور خدا و تقوا و امنیت و معنویت و نورانیت معنا می‌کنند.

این گروه، اغلب، پس از ورود به زندگی مشترک با یک طلبه، یا زندگی طلبگی را همان‌طور که انتظار داشته‌اند یافته‌اند و یا با تجربه‌ای بهتر از آن روبه‌رو شده‌اند. این عده اذعان دارند که اگر به گذشته بازگردند باز هم با یک طلبه ازدواج خواهند کرد.

خانم ن. ۳۵ ساله، مصاحبه‌شونده شماره ۵ می‌گوید: «قبل ازدواج احساس امنیت داشتم نسبت به زندگی طلبه‌ها، فکر می‌کردم مورد اطمینان هستن، چون متدینن، از طرفی هم می‌دونستم که ممکنه زندگی سختی کنار یه طلبه داشته باشم. الانم خدا رو شکر می‌کنم که زندگیم تو این مسیر افتاده. بعد ازدواج و ارتباط گرفتن با خانواده‌های طلبه فهمیدم طلبه‌ها هم آدمیزادن و جایز الخطا، ممکنه بعضی‌هاشون ایرادای بزرگ یا کوچیک داشته باشن؛ اما با این وجود، سادگی و معنویت تو زندگی‌شونو دوست دارم».

در این زمینه خانم س. ۳۳ ساله، همسر طلبه شماره ۱۲ می‌گوید: «قبل از ازدواج فکر می‌کردم طلبه‌ها همش تو سجاده و مسجد و عبادتن، همش تو درس و بحثن، خیلی همیشه باهاشون شوخی کرد، خشک مقدسن. ولی خب با یه طلبه ازدواج کردم چون فکر می‌کردم مذهبی و با ایمانن. به زن‌های دیگه نگاه نمی‌کنن. فقط به زنشون و محارمشون توجه می‌کنن».

یکی که فقط مختص خودت باشه و تو رو با بقیه زن‌های اطرافش مقایسه نکنه. بعد ازدواج دیدم چقد عالین. دیدم اونا هم مَث بقیه مردمن. ولی مهربون تر و با ایمان تر. خودت می‌تونی زندگیتو بسازی بدون تعصبات دیگران. بدون محدودیت‌هایی که فکر می‌کردی هست ولی نیست.»

دسته دوم ذهنیتی تقریباً منفی دارند و زندگی طلبگی را با سختی‌های مالی، محدودیت‌ها و مسئولیت‌ها در نگاه مردم و عدم مهارت‌های ارتباطی و معاشرتی طلاب همراه می‌دانند. این گروه پس از ورود به زندگی با تجربه‌ای غیرمنتظره و یا بدتر از تصویری که برای خود ساخته بودند مواجه شدند. این عده نیز معتقدند در برگشت به گذشته احتمالاً با دقت بیشتری دست به انتخاب برای ازدواج می‌زنند.

برای نمونه خانم م. ۳۲ ساله، پاسخگوی شماره ۱۱ می‌گوید: «قبل ازدواج فکر می‌کردم زندگی پر از آرامشی پیدا می‌کنم. فکر می‌کردم آدم‌های خیلی معتقدی به اسلام هستن. حرام و حلال و مستحبات رو اجرا می‌کنن. خیلی مهربونن. زندگی ساده و راحتی کنارشون به دست میارم. کلا فکر می‌کردم اخلاق پیامبر رو دارن. چون از حوزه و طلبگی دور بودم خیلی بالا می‌دیدمشون. فکر می‌کردم ویژه‌ان. فکر می‌کردم چون از محیط زنونه و دانشگاه دورن از بقیه مردا بهترن؛ اما الان می‌گم زندگی طلبگی با یه آدم معمولیه که البته به خاطر طلبه بودنش محدودیت‌های زیادی واسه زن و بچه‌اش درست می‌شه. حوزه یه سری محفوظاته که روی اخلاقیات و ویژگی‌های خانوادگی تأثیری نداره»

و یا خانم ز. ۳۶ ساله، پاسخ‌دهنده شماره ۲ می‌گوید: «من علما و قداستشون رو دوست داشتم، اما هیچ وقت فکر نمی‌کردم با یه طلبه ازدواج کنم؛ یعنی می‌دونم چیه (مکث می‌کند) بهشون به عنوان شوهر و زندگی زناشویی نمی‌تونستم نگاه کنم؛ اما کسی به حرفم گوش نداد. بعدا هم هیچ وقت زندگی‌ام رو دوست نداشتم. خیلی محدودیت برام درست کرد. از پوشیدن و نیوشیدن بگیر تا رابطه داشته باش و نداشته باش. خیلی بی‌پولی کشیدیم ... سادگی و مهربونیش رو دوست دارم اما این همه سختی‌ای که کشیدم حقم نبود.»

جمع بندی و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، با رویکرد پدیدارشناختی، تجربه زیسته همسران طلاب از زندگی طلبگی مورد مطالعه قرار گرفت و تلاش شد معنای زندگی طلبگی در ذیل ابعاد چندگانه تحصیل، تدین، تبلیغ، تلبس و شهریه به دست آید. بنا بر یافته‌های تحقیق، به هر یک از این مؤلفه‌ها، در ذهنیت

همسران طلاب، دو معنای مثبت و منفی وجود دارد. در ادامه، ضمن تشریح این معانی، به نکات تکمیلی و تحلیلی پیرامون آن‌ها اشاره می‌شود.

اولین مؤلفه در زندگی طلبگی، تحصیل علوم حوزوی است که در یک معنا، «نزدیک شدن به اهل بیت (ع)» است و در معنای دیگر، «قرار گرفتن در یک نظام آموزشی بی‌برنامه و بی‌هدف». ذهنیت منفی بخشی از همسران طلاب نسبت به تحصیل علوم دینی (با شکل فعلی رایج در حوزه‌های علمیه) به مسائل اخلاقی طلاب مرتبط است. چراکه در بین عوامل آن، کم‌رنگ بودن دروس اخلاقی و نادیده‌انگاری مبحث اخلاق معاشرت با خانواده در نظام دروس حوزوی حائز بیشترین تأکید بود.

مؤلفه دوم، اخلاق طلبگی است که در معنای مثبت، «حسن خلق» و در معنای منفی، «غرور و سوء معاشرت» دانسته می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین ذهنیت منفی درباره اخلاق طلبگی و نارضایتی از امور معیشتی طلاب ارتباط وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که نارضایان از اخلاق طلبگی، از امور معیشتی نیز نارضای هستند.

بین رضایت و عدم رضایت از تفریحات نیز ارتباط مستقیم با اخلاق طلبگی مشاهده می‌شود؛ یعنی آنچه برای خانواده‌های طلاب بیشتر اهمیت داشت، توانایی طلاب در ایجاد رضایت برای خانواده‌هایشان در این امر بود. در نگرش‌ها و گرایش‌های زنانه مصاحبه‌شوندگان، بیش از کمیت و کیفیت تفریحات، خلیقات و میزان محبت شوهر مهم است. شوهری که بتواند با همدلی و درک نیازها و احساسات زنانه همسرش، برای او محیط و زندگی شاد و بانشاطی را فراهم کند، رضایت را در او ایجاد خواهد کرد. چنین توانمندی‌ای مستقیماً به میزان مهارت‌های همسررداری طلاب مربوط می‌شود.

مؤلفه سوم تبلیغ است که در یک ذهنیت، «انجام‌وظیفه» است و در ذهنیت دیگر، «سختی و آسیب». البته حتی مصاحبه‌شوندگانی که ذهنیت مثبتی به تبلیغ دارند و آن را انجام‌وظیفه می‌دانند، علی‌رغم این علاقه‌مندی، امکان این کنش را ندارند. آن‌ها امیدوارند که مشکلات برطرف و شرایط فراهم بشود و همسرانشان به تبلیغ بروند و آن‌ها را هم با خود ببرند. با توجه به این علاقه همسران طلاب به تبلیغ، طلاب از همراهی خوبی در خانواده‌های خود برای امر تبلیغ دین برخوردارند.

هم‌چنین به نظر می‌رسد بین نگرش به تبلیغ و نگرش به هجرت ارتباطی برقرار نیست؛ یعنی اگرچه همسران طلاب برای خود و همسرانشان، تبلیغ را یک وظیفه می‌دانند اما این احساس

وظیفه فقط در حد تبلیغ‌های مقطعی است و به تبلیغ بلندمدت سرایت ندارد. این امر می‌تواند یکی از دلایل تجمع طلاب در قم و خارج نشدن آن‌ها پس از طی مراحل از طلبگی، به سمت زادگاه‌هایشان باشد.

در مؤلفه چهارم که تلبس است، معنای مثبت، «اظهار تثبیت هویت طلبگی» است و معنای منفی، «محدود شدن خانواده طلبه». برای اکثریت همسران طلاب، تلبس، نشانه نزدیک شدن به جایگاه یک طلبه آرمانی است. این در شرایطی است که همه پاسخ‌گویان از سختی‌های اجتماعی پوشیدن این لباس برای طلاب و خانواده‌هایشان سخن می‌گویند. این امر می‌تواند گواه آن باشد که همسران طلاب در مسیر بی‌علاقگی آنان به تلبس دائم^۱، نقش پررنگی ندارند و عوامل این مسئله را باید در انگیزه‌های خود طلاب و ساختار و معانی ذهنی ایشان و احتمالاً شرایط عینی حوزه جست‌وجو کرد.

در مؤلفه پنجم که شهریه و امور معیشتی طلاب را در برمی‌گیرد، یک معنا، «برکت» است و معنای دیگر، «حقوق اندک». برخی از طلابی که با همسران آن‌ها مصاحبه شد برای جبران کمبود شهریه خود به انواع شغل‌های پاره‌وقت و نیمه‌وقت و تمام‌وقت در مراکز فرهنگی و حوزوی و دولتی با حقوق کم روی آورده‌اند. این امر به تحصیل این طلاب صدمه‌ای جدی تا حد ترک تحصیل، وارد کرده است. در شرایطی که طلبه امروز همانند روحانیت دیروز برخی امور همچون قضاوت، ازدواج و طلاق را تصدی نمی‌کند و از این امور عایدی‌ای ندارد، راهی جز اشتغال‌های مختلف بعضاً بی‌ربط به هویت طلبگی پیش پای او نمی‌ماند. فشارهای روانی ناشی از این امر، فرسودگی زیادی برای خانواده‌های طلاب به همراه داشته است.

در زمینه کلیت زندگی طلبگی، می‌توان گفت هر چه طلاب به معرفت افزایی همسرانشان اهمیت داده‌اند و زمینه را برای کسب علوم و معارف الهی برای وی فراهم کرده‌اند، میزان بیشتری از همراهی و درک متقابل و تفکیک عقلی میان مشکلات و حقانیت راه و رسم طلبگی در همسرانشان دیده می‌شود. در مقابل هر چه به این مقوله کم‌توجهی شده است و زن به خانه‌داری

^۱ «امروز بسیاری از طلاب نسبت به پوشیدن لباس روحانیت بی‌توجه‌اند و به سمت دوری از تلبس گام برمی‌دارند و آرام‌آرام مشاهده می‌کنیم که افرادی که وارد درس خارج می‌شوند معمم نیستند؛ البته برخی معذوریت دارند ولی همه این‌گونه نیستند و متأسفانه بعضی از کسانی که معذوریت ندارند نیز به این سمت حرکت می‌کنند ... باید طلاب را به تلبس تشویق کرد و کسانی که تلبس می‌شوند دارای امتیاز ویژه‌ای در حوزه باشند» (آیت الله مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

و فرزند داری بدون آگاهی محدود شده است، درک ایمانی کمتری را شاهد هستیم. در نتیجه نمونه‌هایی که با اعمال قوانین زندگی و حتی احکام الهی توسط همسر طلبه خود به صورت یک طرفه و تحمیلی مواجه بوده‌اند، نارضایتی بالاتری را تجربه می‌کنند و در اصلت این راه دچار تردید بیشتری هستند.

به‌علاوه، شناخت دسته‌ای از همسران طلاب از زندگی طلبگی، پیش از شروع آن، شناخت واقعی نبوده است. این عدم شناخت دقیق به سمت تصورات معنوی و نورانی و عرفانی و اخلاقی فوق‌العاده از طلاب و زندگی طلبگی میل بیشتری دارد. شاید دوری بخشی از مردم از طلاب و واقعیت زندگی‌شان در این امر مؤثر باشد.

درنهایت، می‌توان دو سر طیفی از این معانی را برای معنای کلی زندگی طلبگی از منظر همسران طلاب بیان کرد. در نگاه کلان، برخی معنای زندگی طلبگی را «معنویت» و برخی معنای زندگی طلبگی را «محدودیت» می‌دانند.

منابع

- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳). *نقش و رسالت زن*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). هشدار درباره نفوذ خزنده فرهنگ غرب در مسائل حوزوی، خبرگزاری مهر، قابل دسترسی در: www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?newsid=1442973 (تاریخ بازیابی: ۸ فروردین ۱۳۹۷).
- استروس، آنسلم؛ و کوربین، جولیت. (۱۳۸۷). *اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰). *صحیفه امام*. تهران: موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۱). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۹۵). *بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی دانشجویان و طلاب (مورد مطالعه: دانشگاهها و حوزه‌های علمیه شهر گرگان)*. مقاله ارائه شده در سومین اجلاس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز.
- سلیمانیه، مهدی. (۱۳۹۲). *طلبه زیستن؛ پژوهشی مقدماتی در سنخ‌شناسی جامعه‌شناختی زیست طلبگی*. تهران: نگاه معاصر.
- شریعتی مزینانی، سارا؛ و سلیمانیه، مهدی. (۱۳۹۴). *بررسی ویژگی‌های جامعه‌شناختی نمونه نوعی محصل علوم دینی در حوزه علمیه قم (طلاب دوره سطح)*. *شیعه‌شناسی*، ۵۰(۱۳)، ۱-۳۱.

کرسول، جان. (۱۳۹۴). پویش کیفی و طرح پژوهش؛ انتخاب از میان پنج رویکرد. ترجمه: حسن دانایی‌فرد، تهران: صفار.

محمد پور، احمد. (۱۳۸۹). ضد روش؛ منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). نتایج سرشماری ۱۳۹۵. <http://amar.qom-mporg.ir>.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). ده گفتار. تهران: انتشارات صدرا.

مهجوی کنی، محمد سعید. (۱۳۸۷). دین و سبک زندگی. تهران: امام صادق (ع).

Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (2014). The Role and Mission of Women. Tehran: Islamic Revolution Publications. (in Persian)

Makarem Shirazi, Nasser (2011). Warning about the Creeping Influence of Western Culture in Seminary Issues, Mehr News Agency, available at: www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?newsid=1442973 (Retrieved: 24 April 2018). (in Persian)

Strauss, Anselm; and Corbin, Juliet. (2008). Principles of Qualitative Research Method; Grounded Theory: Procedures and Methods. Translated by: Buyuk Mohammadi, Tehran: Institute for the Preservation and Publication of the Works of Imam Khomeini (RA). (in Persian)

Imam Khomeini, Ruhollah (2011). Imam's Page. Tehran: Institute for the Preservation and Publication of the Works of Imam Khomeini (RA). (in Persian)

Iman, Mohammad Taqi. (2012). Methodology of Qualitative Research. Qom: Seminary and University Research Institute. (in Persian)

Khoshfar, Gholamreza. (2016). A comparative study of the lifestyle of students and scholars (case study: universities and seminaries in Gorgan). Paper presented at the Third World Conference on Psychology and Educational Sciences, Law and Social Sciences at the Beginning of the Third Millennium, Shiraz. (in Persian)

Soleimanieh, Mahdi. (2013). Student Living; A Preliminary Study in the Sociological Typology of Life-Study. Tehran: Negah Moasar. (in Persian)

Shariati-Mazinani, Sara; and Soleimanieh, Mahdi. (2015). A Study of the Sociological Characteristics of a Typical Sample of Religious Studies Students in Qom Seminary (Level Course Students). *Shiite Studies*, 50(13), 1-31. (in Persian)

Cresswell, John. (2015). Qualitative research and research design: choosing among five approaches. Translated by: Hassan Danaeifard, Tehran: Saffar. (in Persian)

Mohammad Pour, Ahmad. (2009). Anti-method; Logic and design in qualitative methodology. Tehran: Sociologists' Publications. (in Persian)

Statistics Center of Iran. (2016). Census results 2016. <http://amar.qom-mporg.ir>. (in Persian)

Motahari, Mortaza. (2005). Ten speeches. Tehran: Sadra Publications. (in Persian)

Mahdavi Kani, Mohammad Saeed. (2008). Religion and lifestyle. Tehran: Imam Sadeq (AS). (in Persian)